

ژرف نگری در مصاحبه کیهان لندن

با

اعلیحضرت

امیر فیض- حقوقدان

روزنامه کیهان لندن پس از اجلاس شورای به اصطلاح ملی! در پاریس مصاحبه ای با اعلیحضرت داشته که تصدی مصاحبه باخانم نازنین انصاری بوده است.

نظریه اینکه مصاحبه مزبور حاوی مطالب برجسته مهمی است، که بنظر میرسد ژرف نگری در آن بر ادامه نقد مصاحبه بافق مقدم باشد لذا اجازه فرمائید که به عبارت «مهم مقدم است» باتفاق به ملاحظه ابعاد سیاسی و آثار مصاحبه کیهان برویم.

انگیزه از تدارک این مصاحبه

باآنکه از بعد از اجلاس دوروزه پاریس اعلیحضرت چندین مصاحبه داشته اند که تمامی در رابطه باشورای به اصطلاح ملی! بوده است، نمیتوان قبول کرد که کیهان به استقبال یک مصاحبه تکراری رفته باشد باید انگیزه خاصی کیهان را ترغیب به این مصاحبه کرده باشد.

انگیزه کیهان از تدارک این مصاحبه در این سوال کیهان قابل ملاحظه است:

سوال کیهان – در این نشست، رای گیری شد و اعضای شورای عالی و دفتر سیاسی انتخاب شدند و شما نیز به عنوان سخنگوی شورای ملی ایران انتخاب و معرفی شدید گام بعدی شما چیست؟

انگیزه کیهان از طرح سوال بالا مهترانید گذاشتن بر انتخابات شورای به اصطلاح ملی! است و این سوال و تائید ضمنی اعلیحضرت این موضوع رازنده میکند که انتخابات شورا با رعایت ظوابط قانونی و مرسوم انتخابات صورت گرفته است و در نهایت مدیران شورا و همچنین سخنگوی شورا انتخاب و معرفی شده اند و قسمت دوم سوال که میگوید «گام بعدی شما چیست» سوالی است که در تمام مصاحبه های در رابطه باشورای به اصطلاح ملی! مطرح شده بنابراین، این قسمت از سوال برای خالی نبودن عریضه است.

در حالیکه اساسنامه شورا به بحث و رای گیری گذاشته نشده و همانطور که اعلیحضرت در مصاحبه اخیر فرمودند «در جلسه مجمع موسس قرار شد که منشور و اساسنامه به جلسه دیگری که در ماه بعد تشکیل میشود موکول گردد» چگونه میشود به انتخاب اعضای شورای عالی و یا دفتر سیاسی که از ارکان مقرر در اساسنامه است مبادرت و رای گیری کرد؟ چه بسا بهنگام بحث درباره اساسنامه، مجمع موسس با تعداد اعضای شورا و یا اصلا صیغه ای بنام دفتر سیاسی موافقت نداشته باشد و یا اصولاً معتقد به انتخاب مسئول و یا دبیرکل باشد و یا انتخاب سخنگو را خارج از

وظائف مجمع موسس بداند که همینطور هم هست و یا اصلا نیازی به سخنگو نباشد یا مسائل تابعه دیگر. بنابراین مادامی که اساسنامه و مرامنامه یک شخصیت حقوقی مورد تصویب اکثریت قرارنگیرد و تصویب آن از مجرای اعتراض خارج نشود نمیتوان روی اساسنامه پل زد و سرخود هم عده مدیران را معین کرد و هم به ارکان شورا، ایاندیسی بنام دفترسیاسی آویزان کرد.

اهمیت تصویب اساسنامه و مرامنامه و یا نظامنامه شخصیت های حقوقی در حدی است که مدارک مزبورسجل شخصیت حقوقی موسسه است و مادام که این اسناد کامل نباشد اساسا ثبت موسسه از جمله شورای به اصطلاح ملی ممکن نیست.

کیهان لندن با تائید اینکه انتخابات شورای عالی ودفترسیاسی و سخنگویی شما انجام شده است خواسته روی نادرستی های واقعه پرده استتاری بزند، و درواقع همانطورکه هیئت موسس مایل به طرح و تصویب اساسنامه و منشورش (مرامنامه) نبوده با انجام این مصاحبه غانله رامختومه بداند.

بنده نه بعنوان معترض به انتخابات چراکه اعتراض به انتخابات از حقوق شرکت کنندگان درانتخابات محلی و موضعی است ولی بعنوان یک حقوقدان اعلام میکنم که قبل از بحث و تصویب اساسنامه و مرامنامه (منشور) شورا بارعایت حداقل اصولی که در اعلامیه منشور شور آمده یعنی اعلامیه ۱۵۴ بین المجالس و یا قانون و یا آئین نامه های تشکیل شخصیت های حقوقی، هرنوع تصمیمی گرفته شود ازانتخاب سخنگو تا نامه ای که اخیره خامنه ای ارسال گردیده و یا اقداماتی که درآینده صورت گیرد یک امرخودسرانه بوده و متاثر از آثارنیست.

محدوده توجه آثار

مقصود از متاثر از آثار نبودن، این است که ایجاد حق و یا تکلیفی برای ثالث یعنی کسانی که عضویت شورا را ندارند نمیکند و یک کار گروهی محدود تلقی میشود و آن دسته از اعضای شورا که با آنچه برسرانتخابات! شورا آمده موافق نیستند مادامی که حافظ موقعیت خود درشورا باشند درمحدوده آثار قرارخواهند داشت.

ابراز مسرت و تشکر

قبل از پژوهش مصاحبه این مسرت گفتنی است که اعلیحضرت دردومصاحبه اخیر از واژه منشور استفاده نفرمودند و قطعنامه را جایگزین کردند، چراکه منشورعنوانی است که فرهنگ ایرانی به فرامین پادشاه میدهد. تشکرسلطنت طلبان از این توجه بجا فراموش شدنی نیست.

واما بعد

میفرمایند: >شرط اول من برای شرکت در این حرکت از نظر خودم وظیفه ای است که بعنوان یک رای دهنده در این کشور میتوانم داشته باشم<

یک رای دهنده در یک کشور میداند که تقسیمات قدرت حکومت وزمینہ سازی برای تجزیه کشور از حد او خارج است و پیشاپیش قطعنامه ای که جواز تجزیه کشور را همراه دارد امضا نمیکند سهل است که دیگران راهم از امضا باز میدارد نه مشوق و محرک گردد.

یک رای دهنده خواستار اجرای صحیح قانون انتخابات است، خواستار انتخابات است، نه انتصابات، نه خود منصوبی، که درشورا صورت گرفته است، اگر در انتخابات ۸۸ معترضین گفتند رای من کو در این نمایش انتخاباتی باید بگویند انتخابات کو، البته که در نمایش انتخابات شورا، دزدی رای صورت نگرفته بلکه دزدیدن انتخابات صورت گرفته است. آیا خواست انتخابات آزاد هم از همین دزدی انتخابات، الگو خواهد یافت؟

ما بر انداز نیستیم و هستیم

مبارزه ما در جهت فلسفی <عبارت از اعلیحضرت است> چنان ریشه در جهل و سردرگمی دارد که بعد از سی و چند سال هنوز نمیدانم که بر انداز هستیم و یا انحلال طلب چرا که در مصاحبه قبلی فرمودند ما <انحلال طلب هستیم نه بر انداز> و تاسف اینجاست که این تشنت فکری راهم فلسفه خودشان میدانند، گویا بهترین شعار برای مبارزه ما این است که <آهای ما کجا هستیم، آهای ما چکار میکنیم>

زمزمه تجزیه طلبی نیروهای تجزیه طلب

نکته هوش بُر، در این مصاحبه، نگرانی اعلیحضرت از تجزیه کشور است که از آن بنام زمزمه یاد فرموده اند <کسیکه سعی دارد در خانه را باز بگذارد نباید نگران دزد باشد> باز گذاشتن در خانه دعوت دزد است به خانه، ماده ۱۱ قطعنامه شورا گشودن نه فصل زمزمه تجزیه طلبی، که گشودن حق تجزیه طلبی است.

قطعنامه شورا متضمن درخواست و رضایت نسبت به موضوع قطعنامه یعنی تجزیه کشور است چگونه ممکن است زمزمه تجزیه کشور جای نگرانی باشد برای کسانی که قطعنامه را امضا کرده و پشتیبان آن هستند؟ نگرانی آنها میتواند از این بابت باشد که چرا در حد زمزمه است.

کمک خارجی

نظریه اینکه مسئله کمک و حمایت خارجی ریشه در تمام مصاحبه های اعلیحضرت دارد و موضوع مزبور در مصاحبه افق هم جاسازی شده است که مورد نقد قرار خواهد گرفت لذا تصدیع مجدد، اضافه کاری است